



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۶۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ۳ شهریور ۱۳۹۱، ۲۴ اوت ۲۰۱۲

anternasional@yahoo.com

سردبیر: بهروز مهربادی

جمعه ها منتشر میشود



یک گام به پیش زلزله آذربایجان و شکست سیاسی رژیم

اصغر کریمی
در جریان زلزله آذربایجان، مصاف بزرگی میان جمهوری اسلامی و مردم شریف و انساندوست شکل گرفت و حکومت توده‌نی بزرگی از حرکت توده ای مردم خورد. صدا و سیما مجبور به معذرتخواهی شد، خامنه ای مجبور به سفر به مناطق زلزله زده شد، تلاش حکومت و رسانه هایش برای کم رنگ کردن مساله زلزله و صفحه ۲

از نیشابور تا تبریز



بهروز مهربادی

هفته گذشته قبل از برگزاری يك مسابقه فوتبال با به نمایش درآمدن تصاویر "رهبر جمهوری اسلامی" بر روی صفحه بزرگ نمایشگر استادبوم سهند تبریز مردم متحدانه و یکصدا "رهبر" را هو کردند و صدای خنده های استهزا آمیزشان به "ولی فقیه" در سراسر میدان ورزشی طنین انداز شد. احتمالاً بخش بزرگی از نیروهای سرکوب رسمی و یا لباس شخصی جمهوری اسلامی، در مناطق زلزله زده برای حمله به گروههای کمک رسانی رفته بودند و آن تعدادی هم که در استادبوم حضور داشتند، از ترس مردم جرئت ابراز وجود پیدا نکردند. مردم این توازن قوا را بخوبی تشخیص دادند و بخوبی از موقعیت استفاده نمودند.

انقلاب سوریه و زامبی های سیاست!

سقوط اسد بر رژیم اسلامی را بررسی میکنند. معاون نخست وزیر سوریه در کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت که اگر مخالفان سلاح زمین بگذارند میتوان در باره همه چیز و حتی استعفاي بشار اسد هم مذاکره کرد. (اعلام احتمال استعفاي اسد، آنهم در مسکو!) جالب این است که آمریکا واکنش نشان داد که این حرف تازه ای نیست و در عوض موضعی تعرضی صفحه ۴

مصطفی صابر
واداشته است. این هفته وزیر خارجه روسیه برنامه فشرده ای داشت و با مقامات چینی و سوری ملاقات کرد. دیلی تلگراف نوشت که خامنه ای و شورای امنیت ملی اش تاثیرات

کشتار بیر حمانه کارگران معدن ماریکانا توسط پلیس افریقای جنوبی را شدیداً محکوم میکنیم

کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران، صفحه ۱۰
فراخوان به تجمع اعتراضی علیه کشتار کارگران در آفریقای جنوبی، کانادا، تورتو، صفحه ۷

علیه بیکار سازی ۱۱۵ هزار کارگر صنعت قطعه سازی

شهلا دانشفر
شود. همچنین با وقوع زلزله اخیر در آذربایجان شرقی گزارشها حاکی از بیکاری هزاران نفر دیگر در این منطقه است. هرروز نیز در خبرها بیکار شدن کارگران در این کارخانه و آن کارخانه گزارش میشود. اینها کارگر در این بخش صحبت می

صفحات دیگر اهداف و تقلاهای "جمهوری اسلامی" در برگزاری اجلاس غیر متعهدها!

محمد شکوهی، صفحه ۳

به دستگیری جوانانی که قصد کمک به زلزله زدگان را داشتند، متحدانه اعتراض کنیم!

صفحه ۱۰

نامه سرگشاده شیوا محبوبی به بنکی مون - دبیر کل سازمان ملل در رابطه با برگزاری کنفرانس کشورهای غیر متعهد در ایران

صفحه ۹

گزارشی از مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان (۲)

صفحه ۹

لازم نیست کسی دکترای علوم سیاسی داشته باشد یا کارشناس عالیرتبه وزارت امور خارجه آمریکا یا انگلیس در امور ایران باشد، تا معنی این حرکت مردم تبریز را درک کند. آنها قصد مزاح با "رهبر" حکومت را نداشتند و خوب می دانند که این شوخی ها می تواند با گلوله جواب بگیرد و با وجود شناخت از میزان توحش رژیم نشان دادند که از هر فرصتی برای نشان دادن انزجار خود از حکومت اسلامی استفاده می کنند. اهمیت سیاسی این حرکت مردم تبریز را نباید دست کم گرفت.

هو شدن "رهبر نظام" در استادبوم سهند تبریز را باید در کنار تظاهرات ماه قبل مردم نیشابور گذاشت. در شهرها و محل هایی که بیشتر مردم یکدیگر را می شناسند و دست حکومت برای شناسائی و سرکوب معترضین صفحه ۷

بازتاب هفته

بهار عربی در تونس ادامه دارد

بهروز مهربادی

سبد خالی کالای کارگری

مهراب دشتی

جنگ نیابتی علیه مردم

یاشار سهندی

صفحات ۵-۶

یک گام به پیش ...

از صفحه ۱



صدمات انسانی و مالی مردم به جایی نرسید و مهمتر اینکه سیاست اصلی حکومت برای جلوگیری از حضور مردم در کمک به هموعانشان در آذربایجان مفتضحانه شکست خورد. مردم گام بزرگی در بدست گرفتن ابتکار و در سازماندهی خود برای کمک رسانی به هموعانشان به پیش برداشتند و خفت و خواری زیادی به مقامات و دم و دستگاه حکومت دادند. علیرغم همه مانع تراشی های سازمان یافته و در عین حال رذیلانه حکومت، مردم انسان دوست نقشی حیاتی در کمک به صدها هزار زلزله زده ایفا کردند و گوشه ای از قدرت خود را نشان دادند. حرکت توده ای مردم موجب بی آبرویی بیشتر و یک شکست سیاسی برای حکومت شد و به موازات آن دست اصلاح طلبان مرتجع که همچنان تلاش عبث میکنند که پیشرفته نظامی را که سی و سه سال مشغول جنایت، فساد و دزدی و تحمیل شدیدترین فقر و محرومیت به اکثریت مردم بوده است، اصلاح کنند تا عمرش را طولانی تر کنند بیشتر رو شود.

رژیم يك دقيقه از وقتشان را در مقابل آنها میگذارند. سهم رژیم در کمک به مردم سکوت، دروغ، عدم اطلاع رسانی به مردم، مانع تراشی در مقابل کمک های بیدریغ مردم، دستگیری آنها، مشتی وعده توخالی و توجیه زلزله و تلفات مردم با بی حجابی و مزخرفات دیگر بوده است. حکومت و مقاماتش بار دیگر دشمنی آشکار خود با مردم، بیرحمی و در عین حال درماندگی و بی پایه بودن در میان مردم و ناتوانی از مقابله با مردم را عیان کردند. دستگیری دهها نفر از جوانان و فعالینی که مشغول کمک رسانی بودند اوج زبونی حکومت در مقابل مردم است. اینرا باید به سکوتی برای یک جهش دیگر تبدیل کرد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی چند اقدام را در دستور دارد. موضوع را هرچه میتواند حاشیه ای کند و موضوع را از جلو چشم مردم دور کند، جلو کمک رسانی مردم را بگیرد و سوم برخی اقدامات نمایشی را در مناطق زلزله زده انجام دهد. هرچند وضع رژیم طوری است که حتی دستش برای نمایش هم پر نیست. تک این تلاش ها را باید در هم شکست.

اولین مساله این است که نباید گذاشت درد و رنج مردم که هرروز ابعادش بیشتر دهان باز میکند به فراموشی سپرده شود. سیاست رژیم را باید قاطعانه به شکست کشانید. خبرنگاران مردمی باید تلاش خود را برای داغ نگهداشتن مساله دو چندان کنند. مردم منطقه سهم مهمی در این زمینه میتوانند ایفا کنند. افشای وعده های توخالی رژیم، گزارشات مستقیم از وضعیت اسفناک زلزله زده ها و مصاحبه با آنها و تشویق آنها برای تماس با رسانه های مانند کانال جدید که صدای آنها را منعکس میکنند، انعکاس این فعالیت ها در مدیای اجتماعی، نامه به مراجع جهانی و اقدامات مشابهی که موضوع را در

سطحی فراتر از ایران زنده نگه میدارد، شکل دادن به تجمعات اعتراضی و جمع آوری تومار و نامه های افشاگرانه به مقامات و غیره از جمله کارهایی است که تلاش رژیم را خنثی میکند و وضعیت مردم را مقابل چشم مردم ایران و جهان میگذارد و رژیم را تحت فشار قرار میدهد.

دوم، مقابله با مانع تراشی های رژیم و دستگیری فعالین گروههای امداد است. کمک رسانی دانشجویان، هنرمندان و ورزشکاران، نویسندگان، پزشکان، تشکل های کارگری، نهادهای مدافع حقوق کودک، شبکه های مختلف مبارزاتی و نهادهای اجتماعی مختلف که اقدام شگوهمندی در دو هفته اخیر بوده است، باید تلاش کرد که ابعاد وسیعتری پیدا کند و طیف گسترده تری از مردم را دربر گیرد. به دلیل گستردگی کمک ها در دو هفته گذشته رژیم نتوانسته است علیرغم نظامی کردن منطقه، جلو همه را سد کند و در نتیجه مردم راه خود را به جلو باز کردند و کمک های شایانی به قربانیان زلزله کردند. راه مقابله با مانع تراشی های رژیم گسترده تر کردن این فعالیت ها و تحکیم رابطه با مردم منطقه است. مشکلات انبوه مردم زلزله زده تازه شروع شده است. نباید با گذشت زمان و در حالیکه معضلات اساسی مانند نداشتن مسکن و عدم تامین زندگی روزمره آنها همچنان به قوت خود باقی است، بتدریج کمک ها و تلاشها پایان یابد.

و بالاخره نکته مهم این است که رژیم نمیخواهد برای مردم کار موثری انجام دهد. دهها هزار نفر بیکار شده اند و در حالیکه خانه و کاشانه شان و دار و ندارشان را از دست داده اند، چیزی برای ادامه حیات ندارند. حداقل بیست هزار خانه ویران شده و زمستان زودرس در راه است. جمهوری اسلامی حتی در برداشتن آوارها هم به مردم کمک قابل توجهی نکرده است. حکومتی که یک قلم از آخرین دزدی های مقاماتش سه میلیارد دلار بوده است حاضر نیست یک دهم یکی از اقلام دزدی را صرف رفع مشکلات مردم کند. مردم مانده اند با غم و اندوهی عمیق، با دستان خالی و با کابوس بی مسکنی و زمستان، بی غذایی، بی تامینی،

شیوع امراض و هجوم گرگها. کمک های انساندوستانه مردم با توجه به محدودیت هائی که رژیم در کمک رسانی آنها بوجود آورده و بدلیل فقر اکثریت عظیم مردم، قادر به حل معضل مسکن، تامین زندگی مردم برای مدتی طولانی و مقابله با سرمای سخت زمستان در این منطقه نخواهد بود. کمک های مردمی در بهترین حالت تامین خوراک و پوشاک و نیازمندی های روزمره مردم برای چند هفته خواهد بود. اینرا باید هرچه وسیعتر و تا هر زمان که مقدر باشد ادامه داد و حتی گسترش داد. اما به موازات آن باید دولت را برای حل معضلات مردم تحت فشار گذاشت.

نفس کمک های مردم، خبرسانی ها و کلیپ هائی که از وضعیت مردم و در افشای بی وظیفه بودن حکومت، سانسور حرفهای مردم و ناراضیاتی رو به رشد مردم تهیه میشود، خود فشار بزرگ و هرروزه ای به رژیم است. اما این کافی نیست. باید هم مردم منطقه و هم مردم در سراسر کشور علیه این وضع به حرکت درآیند و این اقدامی حیاتی است. این هم از زاویه انسانی برای رفع مشکلات زلزله زدگان ضروری است و هم از نقطه نظر سیاسی حائز اهمیت است. یک دلیل جلوگیری از حضور فعالین اجتماعی در منطقه همین تاثیرگذاری برای متشکل کردن مردم و آشنا کردن آنها به حقوق مسلم شان است. یک نکته مهم این است که رژیم دستش در سرکوب زلزله زدگان و حتی جلوگیری از کمک های مردمی زیاد هم باز نیست.

سرکوب زلزله زده ها و گروههای امداد در دره های پائین نبروهای سرکوب مساله ساز میشود و شکاف های درونی حکومت تشدید میشود. با توجه به این نکات، باید استراتژی درازمدتی توسط فعالین و تشکل ها در دستور قرار گیرد. سازمانیافتن زلزله زدگان و تجمعات اعتراضی آنها مقابل ادارات دولتی و به اشکال مختلف دیگر یک رکن حیاتی این مبارزه است. هر اندازه هم مردم در سایر نقاط کشور کمک و یا اعتراض کنند، بدون دخالت مستقیم زلزله زدگان و مبارزه مستمر آنها، حکومت اقدامی جدی نخواهد کرد. جمهوری اسلامی عامل تلفات مردم و خانه های خشت و گلی بوده و باید

تمام خانه ها را رایگان و در اسرع وقت و با کیفیتی مناسب بازسازی کند. زندگی خانواده هائی که نان آور خود و یا کارشان را از دست داده اند باید توسط حکومت تامین شود. سایر خسارات مردم باید محاسبه و به مردم مسترد شود. خدمات عمرانی، درمانی و آموزشی باید توسط حکومت برای تمام مناطق زلزله زدگان بلافاصله تامین شود. اینها بخشی از خواست هائی است که باید به مطالبه مردم این منطقه تبدیل شود. رکن دیگر مبارزه، تلاش مردم در سراسر کشور است: ادامه جمع آوری کمک، تداوم فعالیت جوانان و دانشجویان، هنرمندان، ورزشکاران و نویسندگان، پزشکان، تشکل های کارگری و نهادهای رادیکال و آزادیخواه، اطلاع رسانی دائم از وضع زلزله زدگان از طریق گزارش و مصاحبه با مردم منطقه، افشاگری دائم از رفتار حکومت، تلاش برای آزادی دستگیر شدگان و غیره از جمله اقداماتی است که باید ابعاد وسیعتری بخود بگیرد. خواست های مردم در مورد مسکن و تامین زندگی روزمره و غیره باید به پرچم مبارزه در سراسر کشور تبدیل گردد. باید این مطالبات را بعنوان حقوق مسلم مردم وسیعاً رواج داد. این حوادث دانشا اتفاق می افتد و قربانیانش تماما مردم زحمتکشی هستند که سرپناه درستی ندارند. مسئول خسارات انسانی و مالی این حوادث رژیم و نظام نکستی است که توسط رژیم سر پا مانده است و مسئول بازسازی زندگی مردم هم خود رژیم است.

پتانسیل بسیار بالائی برای همبستگی با یکدیگر و شبکه های مبارزاتی بویژه بدنبال انقلاب ۸۸ شکل گرفته است که صرفنظر از جنبه انساندوستانه عمیق آن، بسیار سیاسی و در آینده کشور سرنوشت ساز است. رژیم کاملاً واقف بود که اینبار جامعه بیش از هر زمان احساس مسئولیت نشان میدهد و به همین دلیل همه تلاشش را برای جلوگیری از کمک های مردم بکار انداخت. این پتانسیل را باید به شبکه های مبارزاتی هرچه بزرگتر با روابط پایدار و مستحکم تبدیل کرد. این بخشی از مکانیزم اجتماعی

صفحه ۳

زنده باد سوسیالیسم!

اهداف و تقلاهای جمهوری اسلامی در برگزاری اجلاس غیر متعهدها!

محمد شکوهی



شهرداری تهران به همراه ارگانهای شهری حکومت فقط در طول همین هفته بیش از ۹ طرح در مورد "پاکسازی مناطق آلوده تهران" را به اجرا درآورده اند. صدها کارتن خواب و بی خانمان را از تهران جمع آوری کرده و به مکانهای نامعلومی انتقال داده اند. در اقدامی دیگر و به بهانه اجرای طرح "امنیت محله محور" بیش از ۷۰۰ نفر به جرم "اعتیاد" دستگیر شده اند. در ادامه حمله به دستفروشان و فروشندگان دوره گرد، میدانهایی که کارگران فصلی در آنجا برای پیدا کردن کار جمع می شوند، جمع شده و به مکانهایی در خارج تهران انتقال داده شده اند. شهرداری تهران و مسئولان برگزاری نشست غیر متعهدها در وزارت خارجه رژیم رسماً اعلام کرده اند که تا به امروز صدها میلیارد تومان هزینه برای این کار اختصاص داده اند. بدین ترتیب کل تهران قرار است تعطیل شود و شدیدترین فضا و جو امنیتی و نظامی را در تهران بوجود آمده و عملاً در تهران حکومت نظامی برقرار گردد. در هیچ جای دنیا مرسوم نیست که بخاطر برگزاری چنین اجلاسی شهری با جمعیت ۱۰ میلیون نفر را تعطیل کنند. اقدامات رژیم نشانه وحشتی است که از اعتراضات مردم دارد. حضور تعداد زیادی خبرنگار و دیپلمات از کشورهای مختلف رژیم را در سرکوب اعتراضات محدود می کند و به همین دلیل دست به اقدامات پیشگیرانه زده است.

اما در مورد اهمیت برگزاری اجلاس غیر متعهدها و اهداف حکومت باید به نکاتی اشاره شود. در گروه "کشورهای غیرمتعهد" از اواسط دهه پنجاه و در دنبال تقابل دو قطب شرق و غرب شکل گرفت. اهداف این جمع "غیر وابسته بودن" به بلوک دنیای آن زمان بود. اکثر کشورهای جهان سوم عضو این جمع می باشند. این گروه از نظر وزن و جایگاه سیاسی تأثیرات چندانی در طول در معادلات و سیاستهای

جهانی نداشته است و بیشتر جمع "غروند کنندگان" بوده است. در عین حال بیشتر دولتهای این کشورها وسیع ترین روابط را با چین و روسیه داشته اند.

برگزاری این نشست در تهران برای حکومت از چند جهات مهم است:

۱. جمهوری اسلامی سعی دارد وانمود کند که بر اوضاع داخل ایران کنترل دارد و شکاف ها و اختلافات درونی خود را پنهان سازد.

۲. تلاش می کند تصویر یک دولت متعهد به قوانین و نظامات این بلوک از خود ارائه دهد که میتواند بر اساس "قواعد بازی" در دیپلماسی جهانی و منطقه ای رفتار کند.

۳. رژیم در جهان ایزوله بوده و سیاست هایش در جهان با مخالفت های جدی روبرو می باشد. جمهوری اسلامی تصور می کند با برگزاری این نشست می تواند بجز دولتهایی نظیر ونزوئلا، کره شمالی حمایت دولتهای دیگری را نیز بدست آورد.

۴. رژیم در تلاش است راه حلی برای نجات دولت بشار اسد در سوریه بیابد و شکست های اخیر خود در منطقه را جبران نماید.

جمهوری برای پیش بردن اهداف خود به حمایت بلوک روسیه و چین متکی است. اما تعداد زیادی از "دولت های غیر متعهد" موافق سیاست های جمهوری اسلامی در مورد سوریه و الزاماً "دوستان حکومت" نبوده و باید در این مورد دستگاه دیپلماسی رژیم "هوشیار" باشد. در ارتباط با این تقلاهای جمهوری اسلامی، کشورهای عربی و آفریقایی هم به تقلاهای مشابهی دست زده اند. حضور بانکی مون دبیر کل سازمان ملل در این اجلاس بدون شک حاوی پیام آمریکا و متحدانش در مخالفت با سیاستهای جمهوری اسلامی در مورد حمایت از رژیم اسد، جنبه مخالفان جمهوری اسلامی را تقویت کرده و وی خواهان اتخاذ سیاست روشن کشورهای شرکت کننده در این اجلاس در مورد سوریه و نحوه برخورد به رژیم اسد خواهد شد. خود این موضوع نگرانی جمهوری اسلامی را بیشتر کرده است. به نظر میرسد که

شانزدهمین اجلاس کشورهای غیر متعهد، تبدیل به یک صحنه رویارویی روسیه، چین و جمهوری اسلامی و کشورهای هوادارشان با مخالفان این گروه تبدیل بشود.

این فقط نگرانی حکومت نیست، بلکه نگرانی دیپلماتهای روسی و چین نیز می باشد. کشورهای هوادار ویا نزدیک به سیاستهای آمریکا و غرب در این کنفرانس به نظر میرسد که دست بالا را خواهند داشت. از نظر جمهوری اسلامی، روسیه و چین موضوع سوریه و حمایت اینها از رژیم اسد، باید در این کنفرانس "تثبیت" بشود. جمهوری اسلامی خواهان لغو تحریمها خواهد شد. بخش هایی از حکومت علیرغم ادعای یکدستی در سیاستهای خارجی رژیم، ناچارند به "عقب نشینی هایی" در برابر گروه مخالف جمهوری اسلامی در منطقه دست بزنند تا مانع خرابتر شدن وضعیت رژیم شوند و این اختلافات تازه ای بین جناح های رژیم بوجود آورده است.

اینکه جمهوری اسلامی و بلوک روسیه و چین موفق خواهند شد سیاستها و یا احیاناً قطعنامه هایشان را در این نشست تصویب نمایند، هنوز نامشخص است. احتمال بی نتیجه ماندن تلاش ها و تقلاهای بلوک روسیه، چین و جمهوری اسلامی در مورد موضوع سوریه بسیار بالاست. جنبه مخالفان روسیه، چین و جمهوری اسلامی هم نهایت سعی و تلاششان را برای وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی، حداقل در مورد سوریه و لبنان و عراق، به کار خواهند گرفت. اما موفقیت های

یک گام به پیش ...

مبارزه مردم است که بر پایه انساندوستی و درک ضرورت های سیاسی جامعه شکل گرفته است و یک سرمایه مهم سیاسی و سازمانی است که باید قدرش را دانست و برای ارتقا و گسترش آن هرچه بیشتر تلاش کرد. دست تک تک انسان های شریفی که از آذربایجان و سایر نقاط کشور برای کمک به همنوعان خود به حرکت درآمدند را باید صمیمانه

فرضی جمهوری اسلامی در این اجلاس از ارزش چندانی برخوردار نیست. بلوک "دولت های غیر متعهد" بسیار ضعیف تر و بی خاصیت تر از سالهای اولیه بوجود آمدن آن است و کمترین نقشی در سیاست جهانی ندارد.

جمهوری اسلامی در نظر دارد از فرصت برگزاری اجلاس غیر متعهدها در تهران، برای سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی اش موقعیتی دست و پا نماید. مردم ایران هیچ نفعی در برگزاری این نشست ندارند. تا همینجا تنها چیزی که نصیب مردم شد، تشدید فضا و جو امنیتی، تهدید و سرکوب های بازهم بیشتر. در شرایطی که دولت از ارائه کمترین کمک به بازماندگان زلزله آذربایجان خودداری کرده است، هزینه برگزاری اجلاس "غیرمتعهدها" بیش از یک هزار میلیارد تومان تخمین زده شده است. مردم می گویند با این هزینه می توان برای تمام زلزله زدگان مسکن مناسب و مدرسه و بیمارستان ساخت.

وضعیت جمهوری اسلامی در مقابل مردم معترض ایران خرابتر از آن است که با برگزاری این اجلاس بتواند برای خود "مقبولیت و مشروعیت" دست و پا نماید. از نظر مردم معترض ایران، جمهوری اسلامی و تقلاهای متحدین آن برای سرپا نگاه داشتن حکومت دزدان و قاتلان و سرکوبگران مردم ایران محکوم است. کنفرانس و مصوبه های آن برای مردم فاقد هر گونه ارزش است. آنچه که مردم ایران بیش از هر چیز به آن می اندیشند، سرنگونی جمهوری اسلامی است.

از صفحه ۲

فشرده و برای آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان و دوش به دوش خانواده های آنها دست به اعتراض زد.

شکست سیاسی رژیم را باید با تداوم مبارزه برای کمک رسانی و دفاع از خواست های بحق زلزله زدگان سنگین تر کرد. این مسیر مبارزه برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را بازر تر میکند.

انقلاب سوریه و ...

از صفحه ۱



در مقابل قطب رقیب گرفت. اوباما با اشاره به احتمال استفاده از سلاح های شیمیایی از سوی رژیم سوریه بنوعی تهدید به دخالت نظامی کرد و سران دول انگلیس و فرانسه نیز البته پامنبری کردند. امری که بنویه خود با هشدارهای روسیه و چین به دول غربی همراه بود. بدین ترتیب جدال و کشاکش آشکارا بر سر اوضاع پس از اسد بالا میگیرد. آثار سقوط اسد حتی قبل از اینکه اورفته باشد (برای مثال در بالا گرفتن فعالیت های "پ ک ک" در ترکیه و یا زردخورد های طرابلس لبنان و غیره) هویدا میشود... و مفسرین گوناگون در رسانه ها با آب و تاب به ما توضیح میدهند که پس از اسد "خاورمیانه دیگری" خواهیم داشت.

میشود: مردم، انقلاب مردم، کارگران، زنان، جوانان، جمعیت های محروم و له شده، یعنی قربانیان و گورکنان نظام بردگی مزدی. تعبیر و تفسیری که این حضرات از اوضاع سوریه میدهند طوری است که گویی وقایع سوریه را آمریکا و انگلیس و روسیه و چین و ترکیه و عربستان و اوباش سلفی و شیعی غیره راه انداخته اند. این وسط چهره مردم قهرمان سوریه که با فداکاری بی نظیر در تاریخ دست به انقلاب زده اند تا از شر دیکتاتور کثیف و خونخوار حاکم و فقر و فلاکت و محرومیت رها شوند یکسره لاک مالیده میشود. لاک مالیده میشود تا مگر دنیا همچنان عرصه حاکمیت و رقابت دولت ها و ارتش ها و اوباش بورژوازی باقی بماند. تا مگر به کابوس بورژوازی ناشی از انقلاب و دخالت مستقیم مردم در اوضاع پایان داده شود. تلاشی ارتجاعی و نهایتا عبث که باید وسیعا افشاء بشود و کاملا به شکست کشانده شود.

همچون سوریه چه باید باشد؟ در زمانی که دولتهای قاتل میتوانند به سلاح های بسیار مخرب و کشنده مسلح باشند، سیاست نظامی انقلاب برای به حداقل رساندن تلفات و تخریب شهرها و مدارس و بیمارستانها و زندگی مدنی چه باید باشد؟ آیا برای مثال روش کلاسیک انقلابات یعنی قیام مسلحانه توده ای شهری ممکن است و کفایت میدهد؟ و یا سوال دیگر: در قیال دخالت دولت ها و نیروهای سیاسی ارتجاعی خارج از مرزها که با امکانات مالی و تجهیزات و آمادگی زیاد میتوانند در دل اوضاع انقلابی فعال شوند و حتی تحت نام انقلاب و دوستی با انقلاب در واقع ضد انقلاب بعدی را سازمان بدهند چه باید کرد؟

سوالها البته بیشتر از این است و امیدوارم که در ادامه این نوشته به سهم خود به برخی بپردازم. اما برای این منظور لازم است ابتدا تکلیف موضوع پایه تری را روشن کرد که بالاتر هم به آن اشاره شد: آیا آنچه که در سوریه میگذرد یک انقلاب است که حالا میخواهیم درس های آنرا مرور کنیم؟ آیا چنانکه مفسرین و میدیای غرب تلاش میکنند جلوه دهد این یک "جنگ داخلی" که در عین حال به عرصه رقابت قدرت های جهانی و منطقه ای تبدیل شده، نیست؟ یا حتی آنچه که جمهوری اسلامی و بشار اسد و روسیه میگویند، یعنی اینکه وقایع سوریه در واقع جنگ یک عده تروریست علیه حکومت اسد و "محور مقاومت" است، بیشتر به واقعیت نزدیک نیست؟ البته روایت مثلا "چپ" از این تفسیر نیز هست. مثلا: این جنگ دو جبهه ارتجاع است، مردم نفع و نقشی در آن ندارند. انقلابی در کار نیست، مردم گوشت دم توپ اند و در منگنه دو ارتجاع نابود میشوند. و البته صد رحمت به اینگونه "چپ" ها. چونکه از موضع اینها خانه نشینی مردم در می آید (که البته در وسط یک همچو دعوایی به نفع اسد خواهد بود). اما

انواع دیگری از "چپ" هستند که حتی این تعارفات را هم ندارند. آنها کل آنچه در سوریه را میگذرد "پروژه امپریالیست ها" (و امپریالیسم هم فقط منظور آمریکا و دول غرب است) میدانند و بی رودریاستی در کنار اسد و جمهوری اسلامی و روسیه و چین قرار میگیرند. جالب

است که نمونه وطنی اینگونه چپ ها "دست بالا داشتن اسلامی ها و القاعده در اپوزیسیون سوریه" را بهانه قرار میدهند. یعنی حالا صحت و سقم این ارزیابی به کنار، این ها بنحو مسخره ای از یک نوع اسلام سیاسی (یعنی همان "محور مقاومت" مورد نظر جمهوری اسلامی) در مقابل دسته دیگرش، از یک قطب ارتجاعی بورژوازی در مقابل قطب دیگر دفاع میکنند و ژست مردم پناهی هم میگیرند...

چنانکه می بینید طیف وسیع و متضادی از نیروهای سیاسی، از دولتها و رسانه های غرب تا بلندگوهای تبلیغاتی اسد و خامنه ای و چین و روسیه و تا "چپ" های "ضد امپریالیست" و ملی اسلامی همگی بر این متفق اند که در سوریه انقلابی در کار نیست. اینها هر اختلاف و دعوایی که با هم داشته باشند در یک نقطه اشتراک دارند: انکار و یا کوبیدن انقلاب و مردم قهرمان سوریه. قتل عام کردن مردم انقلابی و یا حاشیه ای کردن مردم و دخالت انقلابی مردم در اوضاع. مهار و شکست انقلاب سوریه و یا اعاده امور سابق تحت نام دوستی و همراهی با انقلاب. اختلافشان فقط در این است که کدام دار و دسته و قطب بورژوازی بر سوریه حکم برانند. همین ها که حاکم اند، یعنی دار و دسته اسد به حمایت جمهوری اسلامی و روسیه و چین، بمانند و یا اینکه اسد کنار برود و دار و دسته هایی که سر به ترکیه و قطر و عربستان و اسرائیل و آمریکا دارند سر کار بیاید.

بگذارید باز تاکید کنیم که انقلاب مردم سوریه، همانند انقلاب تونس و مصر و کل انقلابات اخیر، علیه همه این قطب های بورژوازی و حواشی آنها است. انقلابی برای "نان و کرامت" است. همان جوانان و

جمعیت های "زائد" و بحال خود رها شده در این جنگ وحشی نظام کارمزدی یعنی همان کارگران و زنان و دیگر محرومان که در تونس و اسرائیل و یونان در اعتراض به فقر و چپاول بانکها حتی خودشان را آتش میزنند، همانها که میدان التحریر قاهره و جنبش اشغال نیویورک را آفریدند، همانها که در موتترال و تل آویو و تهران و پاریس و مادرید تظاهرات های میلیونی برپا کرده اند، دقیقا همانها در سوریه و علیرغم حکومت وحشی و فاشیستی بشار الاسد به طغیان برخاسته اند و مثل همه جای دیگر "نان و کرامت" میخواهند. انقلاب سوریه مثل دیگر انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا و کل جنب و جوش انقلابی جهانی دو سه سال اخیر علیه کل دنیای کثیف و کهنه ای است که جولانگاه تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی بوده است. مردم هم علیه مبارک و بن علی پروغرب و طرفدار آمریکا به انقلاب برخاسته اند و هم علیه اسد پرورش و متحد جمهوری اسلامی و روسیه و چین. انقلاب "نان و کرامت" چنانکه از اسمش پیداست برای رفاه و حرمت انسان است. علیه همه آن نیروها و جریانهای سیاسی است که انقلاب را مثل اسد چنیتکار درهم میکوبند یا مثل آمریکا و متحدینش میخواهند از در همراهی با انقلاب وارد شوند اما آنرا مهار کنند و خشی کنند و به شکست بکشانند. انقلاب سوریه دقیقا علیه همه آن نیروهای ارتجاعی (از جمله این چپ های جامانده و مسخره "ضد امپریالیستی") است که آنرا انکار میکنند. اصلا معنای تاریخی انقلاب سوریه مثل انقلاب مصر و غیره دقیقا نفی عملی و تاریخی همه این واماندگان و مرتجعین زمان ماست. بی جهت نیست که چنین

صفحه ۸

توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بر روی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۷ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لینک کیفیت در بالاترین توانه را با لینک آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

بازتاب هفته

سبد خالی کالای کارگری

مهراب دشتی

درفته‌ی گذشته، علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت که برای واگذاری سبد کالای کارگری، توافقی با دولت و کارفرمایان نداشته‌اند. این درحالی است که همه ساله به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان و همراه با تشدید فضای اختناق و فشار بر مردم برای روزه گرفتن و تحمل بیشتر گرستگی، روزنامه‌های دولتی با بوق و کرنا خبر از سبد حمایتی کالا به کارگران می‌دهند. امسال این خبر چند روز قبل از آمدن ماه رمضان اعلام شد و با دست و دل‌بازی وعده دادند که به همه‌ی کارگران اعم از قراردادی و روزمزد و پیمانی و کارمندان حتی سربازان، سبد کالایی به ارزش ۱۵۰ هزار تومان شامل ۲۰ کیلو برنج، ۱۰ کیلو مرغ، ۵ کیلو روغن و ۵ کیلو شکر داده خواهد شد. بعد از گذشت نزدیک به یک ماه از زمان اعلام این خبر و تمام شدن ماه رمضان، هنوز نه سبدهای تحویل داده شده و نه کالایی. این مقام دولتی در پاسخ به این سوال که آیا در این مورد با کارفرمایان هماهنگی لازم صورت گرفته، گفت که هیچ‌گونه توافقی با کارفرمایان ندارند، چون که در قانون کار، اشاره‌ای به سبدهای کالای حمایتی نشده است و در لایحه‌ی اصلاحی قانون کار هم چنین پیش بینی صورت نگرفته است. این در حالی است که بعضی از وزارتخانه‌ها مانند وزارت نفت، امور خارجه، شهرداری‌ها و جالب‌تر از همه مجلس اسلامی به کارمندان و اعضای خود سبدهای کالای حمایتی داده است تا "نمایندگان" فقیر و نیازمند مجلس اسلامی بیشتر تقویت شوند و قوانین ضد کارگری بیشتری را وضع کنند. علی بیگی اعتراف کرد که

سازمان جهانی کار بر هماهنگی‌های بین دولت و کارفرمایان برای بسته‌های حمایتی در قالب سبد کالای کارگری تاکید دارد. وی همچنین گفت که بعضی از کارفرمایان خارج از چهارچوب قانونی و به دلخواه خودشان معمولاً حمایت‌هایی را برای نیروی کارشان در نظرمی گیرند این سخنگوی سرمایه‌داران اسلامی "سبد حمایتی" را بصورت نوعی ترحم و اطعام مساکین و صدقه مطرح می‌کنند. در صورتی که این بخشی بسیار ناچیزی از دستمزد کارگران است که برای ساکت کردن آنها توسط دولت سرمایه‌داران، داده می‌شود. واکنش شورای اسلامی کار بار دیگر چهره ضد کارگری آن را نشان می‌دهد. این به اصطلاح "شورا" در مورد هزار ظلم و اجحافی که به کارگران روا می‌شود، ساکت است و در سرکوب کارگران آگاه و اعتراضات کارگری، دست در دست کارفرمایان و دولت دارد.

کارگران می‌گویند "سبد حمایتی" پیشکش دولت، کارفرمایان و شورای اسلامی. آنها می‌گویند چرا باید دستمزد آنها از یک سوم میزان خط فقر هم کمتر باشد تا عده‌ای مفت‌خور برای کارگران که صاحبان اصلی ثروت و سرمایه‌های جامعه‌اند، "سبد حمایتی" در نظر بگیرند و بر سر دادن و ندادن آن جار و جنجال راه بیندازند. آنهم به مناسبت ماه رمضان و در پوشش عقب مانده ترین خرافه‌های مذهبی و تحقیر کارگران.

کارگران صدقه نمی‌خواهند و از آنجا که خود همه نعمات و ثروت‌های جامعه را تولید می‌کنند، خود برخوردار از یک زندگی مرفه و مطابق استانداردهای یک جامعه مدرن را، حق خود می‌دانند. طرح موضوع "سبد حمایتی" در نوع خودش، توهین به کارگران است و بعد از این همه قال و قیل و

جنجال، ندادن آن توهینی بزرگتر است.

جنگ نیابتی علیه مردم

یاشار سهندی

هفته گذشته جمعی از مردم اسرائیل در محل سکونت نخست وزیر اسرائیل تجمع و بر علیه جنگ احتمالی علیه ایران تظاهرات کردند. دولت اسرائیل اما اصرار دارد که در عرض یکماه آینده به ایران حمله کند البته ظاهراً به مراکز اتمی ایران! (فرض کنید به تاسیسات پارچین تهران حمله نظامی صورت گیرد. با توجه به اینکه شهر تهران در سطح افق در همه جهت گسترده شده است این تاسیسات به واقع در داخل شهر تهران است و پیامد چنین حمله‌ای با توجه به گزارشات که در این تاسیسات آزمایش‌های هسته‌ای صورت گرفته میشود میتوان تصور کرد که چه فاجعه بزرگی تهران را تهدید میکند.) این دولت اعلام کرده که مذاکرات پنج به علاوه یک با جمهوری اسلامی شکست خورده و راه‌های دیپلماتیک به انتها رسیده است و باید حمله نظامی صورت گیرد. مانورهای "پدافندی" نیز به مورد اجرا گذاشته است و برای مردم در برخی از شهرهای اسرائیل اس ام اس‌هایی ارسال شده است که حمله نظامی صورت گرفته و مردم به پناهگاه بروند. بخشی دیگر از حاکمیت اسرائیل اما معتقد است باید این حمله با مجوز آمریکا باشد یعنی اینکه آمریکا باید در این حمله شرکت داشته باشد. با توجه به روابط دولت اسرائیل با دولت آمریکا هر گونه تحریک نظامی اسرائیل دولت آمریکا به منزله آن است که آمریکا در آن شرکت دارد بدین خاطر دولت آمریکا گفته است هنوز مذاکرات شکست نخورده است و راه‌های دیپلماتیک بسته نشده و در عین حال به جمهوری اسلامی هشدار داده شده که زمانی بیشتری برایش باقی نمانده است. جمهوری اسلامی که این جنگ (فعلاً لفظی) را مانده آسمانی میداند و دست به تحریکات نمایشی زده است و از دستاوردهای نظامی جدیدش پرده

برداشته و احمدی نژاد گفته اینها بازدارنده است. از سوی دیگر خامنه‌ای و احمدی نژاد بار دیگر به بهانه "روز قدس" از نابودی اسرائیل گفتند و وجود اسرائیل را توهین به بشریت خوانده‌اند. که در پی آن اتحادیه اروپا و دبیر کل سازمان ملل از این سخنان ابراز انزجار کردند. و در عین حال نمایندگان پنج به علاوه یک طی چند روز آینده ظاهراً قرار است دوباره با جمهوری اسلامی سر میز مذاکرات بنشینند.

دشمن تراشی و شیطان ساختن یک دولت خارجی یکی از ارکان "سیاست خارجی" دولتهای حاکم در جهان است. بسته به موقعیت سیاسی داخلی یک دولت معین این دشمن بزرگ یا کوچک شمرده میشود. جنگ سرد دائمی یکی از عوامل بازدارنده است اما این بازدارندگی نه از حمله دشمن خارجی بلکه برای ایجاد رعب و وحشت در دل مردم تحت حاکمیت یک دولت معین است. دولتهایی مانند جمهوری اسلامی و اسرائیل وجودشان تمام به این "تحریکات نظامی بازدارندگی" بسته است. اگر در انتهای این تحریکات به برخورد نظامی هم منجر شود این دو دولت هیچ ابایی از آن ندارند. تاریخ دولت اسرائیل شاهد این مدعا است و دولتی مانند جمهوری اسلامی اگر به جنگ نظامی مستقیم یا "نیابتی" مشغول نباشد از تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی دشمن سخن گفته است. اینها همه مستمسکی بوده تا مردم را سرکوب کنند و به خواسته‌های مردم توجهی نشان ندهند. دولت اسرائیل در یک سال گذشته شاهد بوده است که مردم این کشور دیگر از این وضعیت خسته شده‌اند و دست به تظاهرات بزرگ خیابانی زدند و میادین تل آویو را میدان تحریر خواندند و خواستار تغییر اساسی در حاکمیت اسرائیل شده‌اند

خاموش بودن خود، تن دهند. برای همین این روزها این حاکمیت بیش از پیش به دشمن خارجی نیازمند است و چه بهانه‌ای بهتر از جمهوری اسلامی که دم از نابودی این کشور و محو آن از صحنه جغرافیایی سیاسی جهان میزند. جمهوری اسلامی از "بی کفایتی" اش نیست که دولت اسرائیل و آمریکا را تحریک میکند، اینکار را همیشه آگاهانه صورت داده و میدهد و دائماً هم بر شدت سرکوب مردم می‌افزاید. این حکومت سی و چند سال است در محاصره مردم است و قادر نیست به هیچ نیاز انسانی مردم پاسخ گوید. مانند اختاپوس به جان ثروت و زندگی مردم افتاده است برای ادامه بقای خود به این جنگهای لفظی بی پایان نیاز دارد و اگر خداوند کمک کند و تیری از غیب (از اسرائیل) شلیک شود، بهترین امداد غیبی برای این حکومت است. دولت اسرائیل همه نیز منتظر معجزه‌ای مانند دو شقه شدن نیل است تا اعتراضات مردم را سرکوب کند.

این حکومتها لازم و ملزوم یکدیگر هستند همیگر را تقویت میکنند. اگر یکی از اینها نیز به هر دلیلی وجود سیاسی اش را از بین برد این حکومتها میگردند و دشمن دیگری پیدا میکنند. اینها نه توطئه است، نه کار فراماسونرها، و نه از بی کفایتی دولتهای حاکم؛ این دشمن تراشیدن‌ها یکی از ابزارهای لازم حاکمیت آنها است، بخصوص در منطقه خاورمیانه، در شرایط بحرانی جهان کنونی و بخصوص انقلاباتی که در کشورها منطقه شکل گرفته است این فضای سازبهای جنگی یا حتی به وقوع پیوستن جنگی واقعی، "جنگ نیابتی" سرمایه برای سرکوب توده مردم در کل جهان است تا آنها را وادار کنند که به ارزان بودن و خاموش بودن خود، تن دهند.



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

می شود که میزان بیکاری به بالاترین حد خود رسیده است و میلیونها نفر در فقر و فلاکت زندگی می کنند. به قدرت رسیدن اسلامی ها در تونس دست عقب مانده ترین و هارترین نیروهای اسلامی را در حمله به مردم بازگذاشته است. بر اساس اخبار منتشر شده نیروهای سلفی چندین بار با شمشیر و چماق به مراسم های فرهنگی حمله کرده و تعدادی از مردم را زخمی کرده اند. شرایط تونس روزهای بعد از انقلاب ۵۷ در ایران را بخاطر می آورد که چماقداران اسلامی زیر حمایت دولت ملی مذهبی حمله به مردم و بویژه به زنان را آغاز کردند. با این تفاوت که اسلام سیاسی در سطح جهان به عقب رانده شده و تجربه ایران در مقابل چشمان مردم تونس قرار دارد و می تواند از تجربیات آن استفاده کند. بهار عربی از تونس آغاز شد و مردم برای پایان دادن به نابرابری، اختناق و فقر به پا خاستند. تظاهرات روز دوشنبه و بویژه نقش فعال زنان در مبارزات مردم خبر از ادامه مبارزه ای می دهد که بر سر تحقق سکولاریسم، آزادی و برابری در جریان و رو به گسترش است.

خلاصه کلام اینکه راهکار ما اتحاد و تشکل ماست. راهکار ما متحد شدن در حزب کمونیست کارگری و برای پیشبرد مبارزه متحدمان در تمام جبهه های نبرد با رژیم جنایتکار اسلامی است. راهکار ما متحد کردن صفوفمان در همه جا در محلات و در کارخانجات و در تمام محیط های کار است. راهکار ما اتکا به قدرت اجتماعاتمان و تصمیم گیری جمعی مان در مجامع عمومی کارگری بعنوان مکانی برای اعمال اراده خود ما کارگران و پیشبرد متحد مبارزاتمان است. راهکار ما متحد کردن صفوف مبارزاتمان برای خلاصی از شر جهنمی است که رژیم اسلامی بر پا کرده و ساختن جامعه ای انسانی و پر از رفاه و شادی است.*

بهار عربی در تونس ادامه دارد

بهر روز مهر آبادی

بعد از ظهر دوشنبه ۲۳ مرداد هزاران نفر از مردم تونس در خیابانهای پایتخت این کشور در دفاع از حقوق زنان دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بر علیه دولت اسلامی بود که قصد دارد قانون برابری زن و مرد را که نزدیک به ۵۷ سال پیش، پس از استقلال تونس وضع شده، نقض کرده و قوانین ضد زن اسلامی را جایگزین آن کند. این تظاهرات روز بعد در شهر سعدی بوزید ادامه یافت و تعداد زیادی از مردم مخالفت خود را با دولت اسلامی اعلام کردند. در پیش نویس قانون اساسی که حزب "جنیش النهضه" پیشنهاد کرده است. عبارت "برابری زن و مرد" برداشته شده و بجای آن از زنان بعنوان "تکمیل کنندگان مردان" نام برده شده است.

زنان تونس می گویند ما انقلاب نکرده ایم که به دورانی عقبتر از رژیم قبل بازگردیم. حمله به حقوق زنان توسط حزب حاکم در شرایطی انجام چگونگی نیروی انتظامی رژیم به نظاره گر تبدیل شد. در جریان کمک رسانی به مردم زلزله زده آذربایجان شرقی دیدیم که چگونه گروههای مختلفی از مردم با اتحاد و با ایستادگی شان توانستند از سد ممانعت های رژیم اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن عبور کنند و اوضاع را بدست گیرند. همین نیروها بودند که توانستند جان بسیاری را نجات دهند و بعد از زلزله نیز به مردم خوراک و پوشاک برسانند و پاکسازی محل را سازمان دهند. اینها همه الگوهای خوبی از همبستگی و مبارزه است. اینها همه نشانه های خوبی از قدرت ما مردم و اتحاد ما است. با همین قدرت باید و میتوان علیه فقر و گرانی به مبارزه برخاست. با همین قدرت میتوان جلوی بیکارسازیها و تعرضات هر روزه این حکومت ایستاد. با این قدرت میتوان بساط این رژیم جنایتکار را جارو کرد.

اعتراض را شکل دهند. فضای جامعه طوری است که هر روز شاهد شکل گیری کارزارهای اعتراضی از سوی بخش های مختلف جامعه هستیم. از جمله کارزاری است که از سوی جوانان در جریان است، تحت عنوان اینکه ما خواهان کاریم و بیکاری معضل است. این یک مشکل واقعی و یک کارزار بزرگ است، باید وسیعا به آن پیوست و آنرا به تجمعات گسترده علیه بیکاری در مقابل وزارت کار و مراکز مختلف دولتی رژیم تبدیل کرد. همچنین هزاران کارگری که در آذربایجان شرقی در جریان زلزله کارشان را از دست داده اند همراه با مردمی که هست و نیستشان را از دست داده اند، نیروی عظیمی هستند که میتوانند با تجمعات هر روزه شان حکومت را زیر فشار جدی قرار دهند و نه تنها بر خواسته های کار و بیمه بیکاری، بلکه بر خواسته های مهم دیگرشان چون تامین مسکن، درمان و امکانات ادامه زندگی به هزینه دولت در این منطقه پای بشارند.

واقعیت اینست که رژیم بیش از هر وقت زیر منگنه فشار ما مردم و ما کارگران است. بیش از هر وقتی در سطح جهانی در تنگنا و در انزواست. دعوایشان نیز به جایی رسیده است که مستقیما همدیگر را نشانه میروند و هر روز پرونده جدیدی از جنایات و دزدی های یکدیگر رو میکنند، باید صف اعتراض خود را متحد و سراسری کنیم.

تجمعات اعتراضی کارگران، شرکت وسیع خانواده های کارگری، تجمعات پی در پی در مقابل مراکز قدرت رژیم از جمله مقابل مجلس و دفتر احمدی نژاد و فرمانداری ها و استانداری ها و وزارت کار و ادارات کارشان و جلب وسیعترین حمایت اجتماعی همه و همه گام های مهمی برای به جلو بردن قدرتمند مبارزات ما مردم و ما کارگران است. با این نیرو است که میشود جلوی تهاجمات هر روزه حکومت را گرفت. با این نیرو است که میشود جلوی سرکوب و تعرضاتش ایستاد. در جریان تظاهرات هزاران نفره مردم به گرانی در شهر نیشابور دیدیم که



شهلا دانشفر

علیه بیکارسازی ۱۰۰ صفحه ۱

همه در حالی است که بنا بر اخبار منتشر شده دولتی در سال گذشته ۲۰۰ هزار کارگر از کار بیکار شدند. این سیل عظیم بیکارسازیها در کنار جمعیت میلیونی بیکار در جامعه بطور واقعی به یک معضل عظیم اجتماعی در جامعه تبدیل شده است. علت بیکارسازیها چیست و راهکارها کدامست؟

صاحبان سرمایه است و هر جا صدای اعتراضی بلند میشود با زندان و سرکوب پاسخ داده میشود. حراست و انواع نیروهای سرکوبگر دیگر را نیز در محیط های کار حاکم کرده اند تا کل این سناریوی دزدی و سرکوب به پیش برده شود. این بطور خلاصه داستان واقعی فقر و فلاکت فاجعه باری است که بر جامعه و بر زندگی مردم حاکم کرده اند و این زمینه بیکارسازیهای عظیم در این جامعه است.

جدال کارگران و مردم با حکومت در قبال این وضعیت یک جدال و جنگ هرروزه میان مردم و حکومت در جریان است. هر روز در این کارخانه و در آن کارخانه اعتراضاتی صورت میگیرد و کارگران در ابعاد چند صد نفر جاده بسته و به خیابان می آیند و مقابل مراجع قدرت رژیم اسلامی تجمع بر پا میکنند. جامعه در حالت انفجار است.

از جمله در همین یک ماه اخیر ما شاهد تجمعات متوالی کارگران صنایع فلزی در مقابل این کارخانه و راهپیمایی ۶۰۰ کارگر صنایع فلزی از محل کارخانه به فرمانداری بودیم. نمونه مهم دیگر در نیشابور بود که یک ماه قبل مردم این شهر علیه گرانی به خیابان ریختند. اکنون وضعیت آذربایجان شرقی نیز به این تصویر اضافه شده است. مردمی که عزیزانشان را از دست داده اند، زندگی و هستی خود را از دست داده اند، مستقیما رژیم اسلامی را مسبب ابعاد فاجعه بار تلفات و صدمات زلزله و وضعیت نابسامان امروز خود میدانند و خواسته های فوری دارند. در چنین شرایطی است که در مورد بیکارسازیها و راهکارها سخن میگوئیم.

۱۱۵ هزار کارگر صنعت قطعه سازی همراه با خانواده هایشان نیروی عظیمی هستند که با صف متحد خود میتواند یک قانون فعال

بارها تاکید کرده ایم که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همزاد بحران سیاسی این حکومت است. سی و سه سال است که این رژیم با اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و تشدید تهاجم هرروزه اش به زندگی و معیشت مردم، توانسته است خود را سرپا نگاه دارد و برای این کار ابزار زندان و اعدام را به خدمت گرفته و هر اعتراض و مبارزه ای را زیر سرکوب شدید خود قرار داده است. اما امروز تفاوت اینجاست که این اقتصاد بحران زده از یکسو با بحران جهانی سرمایه داری تقارن یافته است و از سوی دیگر با تحریم های اقتصادی غرب و آمریکا به مراتب تشدید شده و در کشاکش میان نیروهای ارتجاعی و بورژوازی جهانی از یکسو و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از سوی دیگر این مردم و این کارگران هستند که قربانی میشوند. غرب و آمریکا تلاششان رام کردن این حکومت و کشاندن آن بر سر میز مذاکره است و جمهوری اسلامی برای بقای دو روز بیشترش تقلا دارد. نتیجه مستقیم این وضعیت فقر و فلاکتی است که امروز در جامعه شاهد هستیم و یک عارضه بلافصل آن به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و بخش های مختلف اقتصادی و بیکارسازیهای وسیع کارگران و اضافه شدن هر روزه بر جمعیت عظیم بیکاران است.

در چنین وانفاسایی صاحبان سرمایه نیز بار خود را بسته و هر چه بیشتر از کرده کارگر کار میکشند و ثروت های میلیاردی تل انبار کرده و زندگی و معیشت کارگر را به تباهی میکشند. دزدی و چپاول و فساد از بالا تا پایین این حکومت را گرفته است. دولت سرمایه حاکم نیز حامی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد خطر استرداد جولیان اوساژ به آمریکا



جولیان اوساژ موسس ویکی لیکس که از روز ۱۹ ژوئن برای جلوگیری از استردادش به کشور سوئد به سفارت اکوادور در لندن پناهنده شده، از این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی کرد و روز ۱۶ اوت دولت اکوادور به او پناهندگی سیاسی داد. دولت انگلیس از زبان وزیر امور خارجه اش ویلیام هیگ بلافاصله پس از تصمیم دولت اکوادور، تهدیداتی مبنی بر حمله به محل سفارتخانه و دستگیری اوساژ و یا دستگیری او به محض خروج از محل سفارت را بطور علنی مطرح کرده و عملاً یک فضای تهدید و ارباب علیه اوساژ ایجاد کرده است. جولیان اوساژ از سوی دادگاهی در کشور سوئد متهم به تجاوز جنسی به دو زن سوئدی است و برای حضور در دادگاه باید به سوئد برود. او نگران استرداد از سوئد به آمریکا است و گفته است که حاضر است در یک کشور امن در مورد اتهامات خود پاسخگو باشد و نشان دهد که این یک پرونده سازی سیاسی علیه اوست. لازم به اشاره است که در صورتی که ژولیان اوساژ به آمریکا تحویل داده شود بنا به قوانین این کشور خطر اعدام بالای سر او قرار میگیرد. "جرم" واقعی جولیان اوساژ این است که در سال ۲۰۱۰ هزاران سند سری دیپلماتیک دولت آمریکا که از جمله نشان دهنده برخی جنایات آشکار این دولت است را علنی کرده است و به همین دلیل با خشم و انزجار دولت آمریکا روبرو شده و برخی از مقامات دولت آمریکا او را به اعدام تهدید کرده اند. میخواهند اوساژ را محاکمه کنند و به افتضاح بکشند و اگر دستشان برسد اعدام کنند تا کس دیگری جرئت نکند چنین اسنادی را منتشر کند. حزب کمونیست کارگری، اقدام ویکی لیکس در افزایش اسناد مخفی دیپلماتیک دولت آمریکا را مورد حمایت قرار میدهد و هرگونه تعرض

نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!

گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میگردد، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! جامعه را به کانون بزرگ اعتراض علیه مفتخوران تبدیل کنیم.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست. این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم با مبارزه و انقلابمان درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اوت ۲۰۱۲ - ۱۹ مرداد ۱۳۹۱

فراخوان به تجمع اعتراضی علیه کشتار کارگران در آفریقای جنوبی

سرمایه داران مفتخور روز ۱۶ اگوست ۲۰۱۲ در آفریقای جنوبی کارگران معادن پلاتین شهر ماریکانا را که به دلیل پائین بودن دستمزدهایشان اعتصاب کرده بودند و وحشیانه به رگبار بسته و ۳۶ تن از آنها را کشته، صدها نفر را زخمی و صدها تن را دستگیر کردند. سخنگوی پلیس، بیشرمانه از عملکرد نیروهای امنیتی دفاع کرد و گفت که افراد پلیس در "دفاع از خود" آتش گشوده اند و به بهترین شکل وظیفه خود را انجام داده اند! دولت آفریقای جنوبی بجای محاکمه قاتلین کارگران تصمیم به محاکمه ۲۵۰ کارگر دارد و سرمایه داران تهدید به اخراج ۳۰۰۰ کارگر میکنند.

راجر فیلی مور، رئیس معدن لان مین صریحاً گفته است که: "مدیریت معدن اعلام کرده بود که اگر کارگران به شیفتشان برنگردند به رویشان آتش گشوده خواهد شد." یعنی با پلیس توافق کرده اند و از قبل تصمیم گرفته اند که جنایت کنند و اعتصاب را به خون بکشند. او گفته است که این امری مربوط به "نظم عمومی" است! یعنی برای تضمین سود اقلیت مفتخور و به اسم "نظم" دست به هر جنایتی خواهند زد. این کشتار سباعانه به خوبی نشان داد که به زیر

خواسته شده بود که کمک مالی کنند. هدف جمع کردن ۸۰۰۰ یورو بود که از دیروز تا این ساعت یعنی در کمتر از بیست و چهار ساعت ۷۶۰۰ یورو جمع شده و بزودی این مبلغ از طرف علاقمندان جمع آوری میشود.

سازمان اکس مسلم در آلمان از این کمپین مهم دفاع کرده و از همگان دعوت میکند که در این حرکت مهم در آلمان برای ممنوعیت ختنه کودکان پسر، سهیم و شریک باشند.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان

۲۳ ماه اوت ۲۰۱۲

صحنه هو کردن تصاویر خامنه ای در استادیوم سهوند تبریز روی سایت

های اینترنتی قرار گرفت و میلیونها نفر آن را دیدند. پیام مردم تبریز هم به گوش مردم دنیا رسید.

از صفحه ۱

پیام مردم نیشابور به گوش مردم دنیا رسید و متحدان سابق رژیم در لبنان آن را با ریشخند به عوامل جمهوری اسلامی گوشزد کردند.

از صفحه ۱

پیام مردم نیشابور به گوش مردم دنیا رسید و متحدان سابق رژیم در لبنان آن را با ریشخند به عوامل جمهوری اسلامی گوشزد کردند.

از صفحه ۱

بدن من متعلق بمن است! کمپین سازمان جردانو برونو علیه ختنه کودکان پسر

از روز چهارشنبه ۲۲ ماه اوت یک کمپین از طرف بنیاد جردانو برونو علیه ختنه کودکان پسر اعلام و فعالیتها در این جهت رسماً آغاز شد. این کمپین با هدف ممنوعیت ختنه در آلمان فعالیت میکند و با یک وبسایت و پلاکارد و مجموعه فعالیتهای آگاهگرانه، میخواهد به جنبشی ملحق شود که در آلمان هم اکنون بر علیه ختنه کودکان پسر در جریان است.

سایت اینترنتی این کمپین:

<http://pro-kinderrechte.de/>

از نیشابور تا تبریز...

بسیار بازتر است، انجام این حرکات اعتراضی نشان دهنده همبستگی مردم در مقابل یک رژیم سرکوبگر و زوال پایه های قدرت حکومت است.

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

انقلاب سوریه و ...

از صفحه ۱

همه به تک و تا افتاده اند و با گلوله و توپ و خنجر و یا با تلاش برای ساز کردن اوباش جدید که سوار بر اوام مردم بشوند و یا با زخم زبان زدن و مسخره کردن انقلاب و مردم انقلابی، در یک جبهه واحد به جان انقلاب و نیروهای مدافع آن افتاده اند. از همه رقت آورتر و تاسف آورتر البته وضعیت همین به اصطلاح چپ های ضد امپریالیست است که با بلاهت تمام به کثیف ترین و رسواترین جناح ضد انقلاب زمان ما (یعنی امثال اسد و خامنه ای و پوتین) مفت و مجانی سواری می دهند. اینها در واقع "زامبی" های سیاست اند. مردگانی که ادای زنده بودن در می آورند و با قیافه های عجیب خود سعی میکنند زندگان را بترسانند.

اینرا هم تاکید کنیم حتی آنها که در مقابل انقلابات اخیر و از جمله انقلاب سوریه می خواهند مثل اوباما در طرف درست تاریخ قرار بگیرند، آینده چندان درخشانی از صف ارتجاع پوسیده نوع خامنه ای، اسد، پوتین در انتظارشان نیست. گرچه مزیت قطب بورژوازی غرب در مقابل رقیب و امانده شان این است که بر روی کنترل و مهار اوضاع آینده سرمایه گذاری میکنند حال آنکه قطب دیگر از یک گذشته پایان یافته بطور مذبحخانه دفاع میکند. اما آینده جهان از آن هیچکدام اینها نیست. این دوره "ریگن" و "تاجر" نیست که "بانوی آهنین" اعتصاب معدنچیان انگلیس را در هم میشکست و جناح راست سرمایه و بازار آزاد با اعتماد به نفس در سراسر جهان به حقوق کارگران و رفاه و آزادی بدست آمده در دوره قبل تعرض میکرد. این دوره سقوط سرمایه داری دولتی شوروی و ظنین نعره "کمونیسم مرد" در جهان و حمله به هرگونه آزادیخواهی و عدالت طلبی نیست. این دوره نظم نوین جهانی نیست که ابلهگی مثل جرج بوش دنیا را تهدید میکرد "هرکس با ما نیست بر ماست".

همانطور که ما بارها گفته ایم این دوره انقلابات جهانی قرن بیست و یکمی است که برای پایان دادن به همه آن سیاه ترین صفحات تاریخ معاصر بشر به میدان آمده است. امروز دوره جنبش های ضد سرمایه داری و شورهای بزرگ در پایتخت های سرمایه داری جهانی است. دوره انقلابات قرن بیست و یکمی است که

از ترس مرگ خود با چنگ و دندان از اسد دفاع میکند میگوید اسد باید به اصلاحاتی دست بزند. انقلاب سوریه در قدم اول علیه اسد است اما تنها علیه اسد نیست. بلکه علیه کل آن دنیایی است که برای دهه ها به اسد و پدرش پایداری و مشروعیت میداد. اینکه این انقلاب بتواند در همه مراحل و گام هایش پیروز شود خود موضوع پراتیک و تلاش انسانی است. اما بطور قطع در همین گام اول خود طومار اسد و رژیمش را درهم پیچده و منشاء تغییرات بسیار وسیع است.

بدین ترتیب اولین درس از انقلاب سوریه این است که دوره کنونی و انقلابات دوره حاضر را بشناسیم و ببینیم بیریض شدگان به تاریخ چه کسانی هستند. صف وسیعی که افتخار بی خبرترین و جامانده ترین های آن نسبت رفیق زامبی "ضد امپریالیست" میشود، اما از پوتین و خامنه ای و اسد، تا اردوغان و نتیناهو و اوباما نیز با همه تفاوتها و اختلافات شان جزو آن هستند. این درس برای ما و انقلاب در ایران بسیار مهم است چرا که ما در همین دوره انقلابی جهانی زندگی میکنیم. نه فقط این، که ایران به دلیل شرایط تاریخی و سیاسی ناشی از سه چهار دهه اخیر در مرکز این تحول جهانی قرار دارد. درست است که انقلاب ۸۸ مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نتوانست حتی در گام اول خود نیز یعنی سرنگونی رژیم اسلامی موفق شود، اما آغازگر دوره ای شد که تا همینجا چندین دیکتاتور را به زباله دان تاریخ روانه کرده و اکنون نوبت دیکتاتوری رسیده که نوعی بدندان جمهوری اسلامی به آن وصل است. در پس انقلاب سوریه و سرنگونی رژیم بشار اسد تحولات بسیاری در کل خاورمیانه و بویژه انقلاب دیگری در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی قرار دارد. این خود تازه شروع تحولاتی تعیین کننده در جهان خواهد بود. اولین درس از انقلاب سوریه همین است که این را ببینیم و صدبار بیشتر گرد و غبار تلاش های بیربط شدگان به تاریخ را کنار بزنیم و برای پایان دادن به "ماقبل تاریخ بشر" بقدرت انقلاب و دخالت و حکومت مستقیم کارگران و مردم آستین ها را بالا بزنیم.

(۲۲ آگوست ۲۰۱۲)

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, WA 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: پیام بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

سعید صالحی نیا ۳۰۰ دلار

نیما آزاده ۶۰۰ دلار

کمک مالی به کمیته کردستان حزب

ستار نوریزاد ۱۰۰ دلار آقای حمیدی ۱۰۰ دلار

نیما آزاده ۱۰۰ دلار

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه

منجاری بدل میشود!

نامه سرگشاده شیوا محبوبی به بنکی مون - دبیر کل سازمان ملل در رابطه با برگزاری کنفرانس کشورهای غیر متعهد در ایران

آقای بنکی مون

قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ ضمیمه میباشد. (گزارش ضمیمه ۱۱)

ما لیست ده ها نفر از زندانیان سیاسی را که تنها به دلیل اینکه خواهان آزادی بیان بوده اند و در تظاهرات شرکت کرده اند به اعدام محکوم شده اند در دسترس داریم. (ضمیمه ۱۲)

خانواده های زندانیان سیاسی بشدت تحت فشار رژیم بوده، مورد اذیت و آزار قرار میگیرند و تهدید به دستگیری میشوند. رژیم جهت خاموش کردن صدای خانواده زندانیان سیاسی، جلوگیری از انعکاس وضعیت فرزندانشان و جهت شکنجه روانی این خانواده ها، به آنها اطلاعاتی در مورد محل نگهداری عزیزان زندانیان نمیدهد.

در سال ۲۰۰۹ و در جریان اعتراضات مردم علیه مضحکه انتخاباتی رژیم، هزاران نفر از مردم از جمله نوجوانان ۱۲ ساله دستگیر شدند؛ در این مقطع بالاترین آمار تجاوز به زندانیان سیاسی صورت گرفت، بسیاری از این زندانیان هنوز در زندان در شرایطی غیر انسانی و غیر قابل تصور بسر میبرند.

اخیرا رژیم در تلاشش جهت حذف فیزیکی زندانیان سیاسی، زندانیانی را که از قبل از بیماریهای مختلف رنج میبردند را از دسترسی به دارو و درمان محروم کرده اند که این به مرگ تعدادی از زندانیان سیاسی منجر گردید. در ملاقاتی که ما با نمایندگان پارلمان اروپا داشتیم موفق شدیم که توجه نمایندگان را به این مسئله قتل عمدی و خاموش زندانیان سیاسی جلب کنیم. (لطفاً



ضمیمه های ۳ و ۴ را ملاحظه نمایید)

کنفرانسی که در ماه آگوست در تهران قرار است برگزار شود بزرگترین کنفرانس کشورهای مختلف در طول چهارده سال اخیر میباشد و سران بیش از چهل کشور دنیا به این کنفرانس دعوت شده اند. این کنفرانس در حالی برگزار میشود که رژیم در سطح علنی و بین المللی تمامی کنوانسیونهای جهانی را زیر پا گذاشته است.

من مجدداً مایلم توجه شما را به استفاده از امکاتی که برگزاری این کنفرانس فراهم آورده است جلب کنم. این بهترین فرصتی است که شما نقض حقوق انسانی مردم ایران را توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم نمایید. سازمان ملل باید به جنایات رژیم علیه مردم ایران با صدای بلند اعتراض کند. سازمان ملل نمیتواند از این جنایات مطلع باشد و ساکت بماند.

ما از پشتیبانی شما استقبال میکنیم و خوشحال میشویم که در صورت لزوم مدارک بیشتری در زمینه نقض حقوق انسانی در ایران به شما ارائه بدهیم.

با احترام
شیوا محبوبی
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۲۲ آگوست ۲۰۱۲

گزارشی از مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان (۲)

اعلام میگردند. در جریان بیکارسازیهای وسیع در پالایشگاه آبادان بخشی از کارگران با قول اینکه در قبال بازخریدشان از کار و بازنشستگی پیش از موعد میتوانند خانه های سازمانی داشته باشند، خود را باز خرید کرده و بازنشسته پیش از موعد شده اند. اکنون که دولت و مدیریت طرح بیکارسازیهایشان را به انجام رسانده اند، به کارگران فشار آورده و میگویند که خانه های سازمانی را تخلیه کنند تا حقوق های معوقه شان پرداخت شود و رسماً دستمزد کارگران را به گرو گرفته اند تا آنها را ناگزیر از تخلیه منازل خود کنند.

بدنبال این تجمع قانندی از مسئولین پالایشگاه به کارگران گفت که هفته آینده حقوق های معوقه پرداخت خواهد شد. ولی همچنان فشار بر روی کارگران برای تخلیه منازل سازمانی ای که در اختیار آنان قرار گرفته است، ادامه دارد. کارگران بازنشسته قصد خالی کردن منازل خود را ندارند و در یک ماه اخیر چهار بار دست به تجمع اعتراضی زده اند. خانواده های کارگران نیز وارد این اعتراض شده اند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراضات کارگران پالایشگاه آبادان قاطعانه حمایت میکند و کلیه کارگران در بخش های مختلف پالایشگاه را به پشتیبانی از این مبارزات و اتحاد و یکپارچگی در مقابل تعرضات دولت و کارفرمایان فرامیخواند. حضور خانواده های کارگران بازنشسته در تجمعات اعتراضی آنان یک قدم مهم به جلو است که باید ابعاد هرچه وسیعتری پیدا کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مرداد ۱۳۹۱، ۱۹ اوت ۲۰۱۲

در گزارش شماره یک از پالایشگاه آبادان گفتیم که پیمانکار جدید از ۲۲۷ کارگر بخش خدمات پالایشگاه خواسته است که برای ادامه اشتغال هرنفر باید دویست هزار تومان پرداخت کنند و کارگران به این مساله معترضند. بنا بر خبری که امروز به ما رسیده است، بدنبال تجمع اعتراض این کارگران حراست اعلام کرده است که مساله پرداخت دویست هزار تومان منتفی است. تعداد معدودی از کارگران که از ترس بیکاری این پول را به پیمانکار داده بودند، بدنبال یک مبارزه جمعی پول خود را پس گرفتند. این مبارزه درس بسیار خوبی از اتحاد و مبارزه در پی داشت. اکنون بحث در میان کارگران بر سر تبدیل قراردادهایشان به قرارداد مستقیم و کوتاه شدن دست پیمانکار است. گفتنی است که در یک ماه اخیر کارگران این بخش خدمات پالایشگاه عملاً در اعتصاب هستند. کارگران در محل کار حاضر میشوند، اما کاری انجام نمیدهند.

موضوع دیگر ادامه تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته پالایشگاه آبادان است. طبق این گزارش روز شنبه ۲۸ مرداد حدود ۱۰۰ نفر از این کارگران به همراه خانواده هایشان در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد خود و فشار دولت و مدیریت برای تخلیه منازل سازمانی، در مقابل دفتر اصلی پالایشگاه دست به تجمع زدند. این تجمع به بسته شدن خیابان مقابل پالایشگاه منجر شد و انعکاس قابل توجهی در شهر آبادان داشت. نیروی حراست و انتظامی نیز مثل همیشه در محل حاضر بودند و مردمی که با ماشین از کنار کارگران معترض و خانواده هایشان عبور میکردند با تکان دادن دست همبستگی خود را

نماینده کارگران شرکت صنایع تندر با بیان اینکه این کارخانه از سال ۵۲ تاسیس شد و ابتدا دولتی بود، ابراز کرد: این کارخانه از سال ۷۰ به فرد مذکور واگذار شده است. وی فعالیت

مشکلات کارگران این کارخانه از مسئولان ارشد استان هستند. نماینده کارگران معترض با بیان اینکه مدت سه سال است دفترچه های بیمه کارگران تمدید نشده است، اظهار کرد: کارفرمای شرکت صنایع تندر با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است. کارگران این کارخانه بیکار

تجمع کارگران شرکت صنایع تندر در اعتراض به ۱۸ ماه حقوق معوقه

جمع زیادی از کارگران کارخانه صنایع تندر این شهرستان به دلیل عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. جمع زیادی از کارگران شرکت صنایع تندر با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "۸ ماه حقوق دریافت نکرده ایم" همچنان مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به

شکلات کارگران این کارخانه از مسئولان ارشد استان هستند. نماینده کارگران معترض با بیان اینکه مدت سه سال است دفترچه های بیمه کارگران تمدید نشده است، اظهار کرد: کارفرمای شرکت صنایع تندر با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است. کارگران این کارخانه بیکار

جمع زیادی از کارگران کارخانه صنایع تندر این شهرستان به دلیل عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. جمع زیادی از کارگران شرکت صنایع تندر با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "۸ ماه حقوق دریافت نکرده ایم" همچنان مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به دستگیری جوانانی که قصد کمک به زلزله زدگان را داشتند، متحدانه اعتراض کنیم!



میبلرز و تمام تلاشش را بکار انداخته که مانع کمک رسانی مردمی شود. علیرغم این و علیرغم اینکه دامنه کمک رسانی مردم را بشدت محدود کرده است، با اینهمه این مردم بوده اند که از سراسر کشور از سد و مانع جمهوری اسلامی گذشته و بیشترین کمک را به زلزله زدگان کرده اند. نقش جمهوری مفتخوران و سرکوبگران اسلامی در این مدت مانع تراشی، سکوت خبری، سانسور صحبت های مردم و وعده های توخالی بوده است.

به این وحشیگری و دستگیری فعالینی که در شهرهای مختلف دستگیر شده اند و به مانع تراشی های جمهوری اسلامی باید شدیداً اعتراض کرد. دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند و هر نوع سد و مانع برای کمک های انساندوستانه مردم از ایران و جهان به زلزله زدگان از میان برداشته شود. باید در سراسر کشور متحد و یکپارچه با مردم زلزله زده اعلام همبستگی کرد، کمک رسانی ها را گسترش داد و حکومت اسلامی را تحت فشار گذاشت و آوار کرد که به مساله مسکن و

فیاض، جعفر غلامی، کیانا کریپور، فرنز احمدزاده، مهرناز احمدزاده، امین رونقی، ریحانه حسامی، علی تقدیری و صادق رضایی گیگلو.

حمله به جوانان و مردمی که قصد کمک به زلزله زدگان را دارند از هفته قبل آغاز شده و از جمله سه نفر نیز در گرگان دستگیر شدند. همچنین سعید شیرزاد عضو جمعیت کودکان کار و خیابان که برای کمک به مردم زلزله زده آذربایجان به ورزقان رفته بود، توسط اداره اطلاعات اهر بازداشت و به محل این اداره منتقل گردید. همچنین دو اکیپ شامل مددکاران اجتماعی کودکان و روانشناسانی که برای کمک به زلزله زدگان آذربایجان در مناطق روستایی حاضر شده بودند، با تهدید به توقیف مدارک از سوی اداره اطلاعات اهر و تبریز، مجبور به ترک منطقه شده اند. جمهوری جنایتکار اسلامی که خود با لاقیدی و بیشرمی، نظاره گر موقعیت وخیم زلزله زدگان آذربایجان است، در مقابل شکل گرفتن یک شبکه بسیار بزرگ اجتماعی برای کمک رسانی به مردم آذربایجان بر خود

شامگاه چهارشنبه، دهها نفر از جوانان و فعالین اجتماعی و دانشجویی که کمک هایی را برای زلزله زدگان آذربایجان گردآوری کرده بودند، در محل انبار کمک های جمع آوری شده در جاده تبریز- ورزقان مورد یورش نیروهای سرکوب حکومت قرار گرفتند و بازداشت شدند.

اسامی دستگیرشدگان عبارت است از:

حسین رونقی ملکی، آرتمیس ورزنده، نوید خانجانی، واحد خلوصی، شایان وحدتی، شیدا قوشه، میثاق افشار، حسن رونقی ملکی، وحید روحانی، مازیار اسماعیل پور، مرتضی اسماعیل پور، حمید رضا مسیبیان، علی محمندی، محسن صائمی، مسعود وفابخش، هومن طاهری، دانیال حسینی، نفیسه شهید فر، بهرام شجاعی، محمد ارجمندی راد، اسماعیل سلمانپور، باغبان باشی، نرگس خیراللهی، مهدی صالحی، بهروز علوی، میلاد پناهی پور، سپهرداد صاحبان، اسماعیل رفعتی، امیر رونقی، زهرا

نیازهای فوری و روزمره زلزله زدگان رسیدگی کند.
آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری جنایتکار اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ شهریور ۱۳۹۱، ۲۳ اوت ۲۰۱۲



این پتی شن از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری همراه با امضای تعدادی از فعالین کارگری اتحادیه های کارگری بین المللی و همکاران کمیته همبستگی بین المللی کارگری منتشر شده و برای جلب همبستگی بین المللی در اختیار سازمانهای کارگری در سراسر جهان قرار میگیرد.

معالجه قرار گیرند و به آنها غرامت پرداخت شود

۶- اعتصاب کارگران معدن پلاتین ماریکانا با هدف افزایش دستمزد صورت گرفته است. این یک خواست برحق است و کشتار کارگران نباید باعث شود که این خواست کارگران به حاشیه رانده شود. ما از مبارزات این کارگران و خواست افزایش دستمزد برای آنها وسیعاً حمایت میکنیم.

۷- ما امضا کنندگان این بیانیه روز ۱۶ اوت یعنی روز کشتار کارگران را هر سال روز اعتراض علیه توحش سرمایه داری اعلام میکنیم و از همه سازمانها و اتحادیه های کارگری میخواهیم که از این تصمیم رسماً پشتیبانی کنند.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران
شهلا دانشفر
00447779898968

بهرام سروش
0044-7852 338334
۲ شهریور ۱۳۹۱، ۲۳ اوت ۲۰۱۲

کشتار بیرحمانه کارگران معدن ماریکانا توسط پلیس آفریقای جنوبی را شدیداً محکوم میکنیم

همه مجروحین باید در سطح عمومی اعلام شود. تمامی دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند.

۲- تمام عاملین و آمرین این جنایت از بالا تا پایین باید در دادگاهی علنی و از قبل اعلام شده، محاکمه شوند.

۳- برای خانواده های قربانیان امکانات رایگان حقوقی (وکیل مدافع و مشاوره حقوقی و غیره) در این دادگاه فراهم شود.

۴- بازماندگان و خانواده های جانباختگان باید فوراً از حمایت مالی مناسب و از نظر زمانی نامحدود برخوردار شوند و زندگی آنها با استاندارد بالایی تامین شود.

۵- تمام مجروحین باید با بهترین امکانات و با هزینه کارفرما و زیر نظر دولت و نمایندگان کارگران مورد

ما کارگران و تشکلهای کارگری، شدیداً کشتار کارگران معدن پلاتینوم در ماریکانا در آفریقای جنوبی توسط پلیس این کشور را محکوم میکنیم. این یک وحشیگری تمام عیار و یک اعدام دسته جمعی و بیرحمانه کارگرانی بود که با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب و تظاهرات زده بودند. همه شواهد نشان میدهد که پلیس از قبل تصمیم گرفته بود به کارگران بیرحمانه حمله کند و بهانه هایی که توسط پلیس آفریقای جنوبی برای توجیه این قتل عام ارائه میشود نفرت انگیز و غیر قابل قبول است. ما همه کارگران و مردم انسان دوست جهان را به محکوم کردن این جنایت کارفرمایان و پلیس آفریقای جنوبی فرا میخوانیم. ما اعلام میکنیم:

۱- اسامی تمام کارگران جان باخته و

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!